

نام و نام خانوادگی: .....

مقطع و رشته: هفتم

نام پدر: .....

شماره داوطلب: .....

تعداد صفحه سؤال: ۲ صفحه

جمهوری اسلامی ایران  
اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران  
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۴ تهران  
دبیرستان غیردولتی دخترانه سرای دانش واحد رسالت  
ارزیابی سال تمصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴  
 [www.saravedanesh.com](http://www.saravedanesh.com)  
۰۲۱-۲۹۳۶

نام درس: فارسی  
نام دبیر: لیلا حبیبی  
ساعت امتحان: ۱۰:۰۰ صبح / عصر  
مدت امتحان: ۶۰ دقیقه

نمره به عدد:		نمره به حروف:	
نام دبیر:		تاریخ و امضاء:	
نمره به عدد:		نمره به حروف:	
نام دبیر:		تاریخ و امضاء:	
نام مهر و امضاء مدیر	نمره به عدد:	نمره به حروف:	نام دبیر:
تاریخ و امضاء:	نام دبیر:	تاریخ و امضاء:	نام دبیر:
ردیف	سؤالات	ردیف	سؤالات
۱	ابیات و عبارات زیر را دقیق و کامل معنی کنید. آسمان مثل یک تبسم شد سرو نباشد به اعتدال محمد آتش در همه آفاق زد. نار خندان باغ را خندان کند. همه عالم تن است و ایران دل / نیست گوینده زین قیاس خجل عمر حقیقی ما را شناسنامه تعیین نمی کند.	۱	ابیات و عبارات زیر را دقیق و کامل معنی کنید. آسمان مثل یک تبسم شد سرو نباشد به اعتدال محمد آتش در همه آفاق زد. نار خندان باغ را خندان کند. همه عالم تن است و ایران دل / نیست گوینده زین قیاس خجل عمر حقیقی ما را شناسنامه تعیین نمی کند.
۲	لغات مشخص شده را معنی کنید. نگردد شاخک بی بن، برومند آدم آهنی <u>مودیان</u> چشمک زد چو گنجشکان مران ما را از این <u>بوم</u> اسکندر در <u>اثنای</u> سفر به شهری رسید تا به من تنه زنند و <u>سبوی</u> مرا نشکنند یکی از اینان بر نمی خیزد که <u>دوگانه</u> ای بگذارد.	۲	لغات مشخص شده را معنی کنید. نگردد شاخک بی بن، برومند آدم آهنی <u>مودیان</u> چشمک زد چو گنجشکان مران ما را از این <u>بوم</u> اسکندر در <u>اثنای</u> سفر به شهری رسید تا به من تنه زنند و <u>سبوی</u> مرا نشکنند یکی از اینان بر نمی خیزد که <u>دوگانه</u> ای بگذارد.
۳	نام نویسنده هر اثر را به کتاب او وصل کنید. بهارستان به قول پرستو دوشنبه های آبی ماه گل و نوروز خواجهی کرمانی محمد رضا کاتب جامی قیصر امین پور	۳	نام نویسنده هر اثر را به کتاب او وصل کنید. بهارستان به قول پرستو دوشنبه های آبی ماه گل و نوروز خواجهی کرمانی محمد رضا کاتب جامی قیصر امین پور
۴	آدم آهنی و شاپرک نماد چه انسانهایی بودند؟	۴	آدم آهنی و شاپرک نماد چه انسانهایی بودند؟
۵	این عبارات کنایی را معنی کنید: پاره تن کسی بودن باد در گلو انداختن جهان پیش چشمش تاریک شد. چشم از جهان فرو بست. کوردلان تاریک اندیش	۵	این عبارات کنایی را معنی کنید: پاره تن کسی بودن باد در گلو انداختن جهان پیش چشمش تاریک شد. چشم از جهان فرو بست. کوردلان تاریک اندیش





اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران  
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۴ تهران  
دبیرستان غیر دولتی دخترانه سرای دانش واحد رسالت  
کلید ارزیابی سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴



[www.sarayedanesh.com](http://www.sarayedanesh.com)

۰۲۱-۲۹۳۶

نام درس: فارسی هفتم

نام دبیر: لیلا حبیبی

ساعت امتحان: ۱۰:۰۰ صبح / عصر

مدت امتحان: ۶۰ دقیقه

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر																		
۱	بهار شد و آسمان روی خوشش را به ما نشان داد درخت سرو به زیبایی و تناسب اندام حضرت محمد(ص) نیست همه دنیا را نابود کرد انار رسیده باغ را شاداب می کند تمام جهان مانند جسم است و ایران قلب آن است و من از این مقایسه شرمسار نیستم و افتخار می کنم عمر واقعی ما عمر مفید ماست نه عمری که در شناسنامه نوشته شده است																			
۲	بی بُن : بی ریشه/ برومند: ثمرده/ مودبانه : آزاردهنده / بوم: سرزمین / اثنا : میان/ سبو: کوزه / دوگانه : نماز دورکعتی																			
۳	بهارستان: جامی/ به قول پرستو: قیصر امین پور/ دوشنبه های آبی ماه: محمد رضا کاتب/ گل و نوروژ :خواجهی کرمانی																			
۴	آدم آهنی: انسانهای سنگدل / شاپرک : انسانهای مهربان																			
۵	پاره تن کسی بودن: عزیز دل کسی بودن / باد در گلو انداختن : با غرور حرف زدن / جهان پیش چشمش تاریک شد: ناامید شد و ترسید / چشم از جهان فروبست: از دنیا رفت/ کوردلان تاریک اندیش : افراد نادان و بدفکر																			
۶	<table border="1"> <thead> <tr> <th>فعل</th> <th>زمان</th> <th>شخص و شمار</th> <th>مصدر</th> <th>بن ماضی</th> <th>بن مضارع</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>می سوخت</td> <td>ماضی</td> <td>سوم شخص مفرد</td> <td>سوختن</td> <td>سوخت</td> <td>سوز</td> </tr> <tr> <td>بفروشید</td> <td>مضارع</td> <td>دوم شخص جمع</td> <td>فروختن</td> <td>فروخت</td> <td>فروش</td> </tr> </tbody> </table>	فعل	زمان	شخص و شمار	مصدر	بن ماضی	بن مضارع	می سوخت	ماضی	سوم شخص مفرد	سوختن	سوخت	سوز	بفروشید	مضارع	دوم شخص جمع	فروختن	فروخت	فروش	
فعل	زمان	شخص و شمار	مصدر	بن ماضی	بن مضارع															
می سوخت	ماضی	سوم شخص مفرد	سوختن	سوخت	سوز															
بفروشید	مضارع	دوم شخص جمع	فروختن	فروخت	فروش															
۷	خدا: نهاد / تقدیر: مفعول / دست: متمم / ساکت: مسند																			
۸	کنون گر دست گیری جای آن هست / که گر دستم نگیری رفتم از دست. : تکرار ملافه درست مثل کفن بود. : تشبیه دل از تیرگی ها بدین آب شوی : تناسب ای مرغک خرد .....: جانبخشی																			
۹	دو جمله / عاطفی .خبری																			
۱۰	نگاهش به نیما افتاد و برقی در چشم های او دید. ( او بر میگردد به نیما)																			
۱۱	نیما بوشیج																			
۱۲	سعادت : سعید ، مسعود/ راضی: رضایت / اعجاز : معجزه																			
۱۳	گلدان : غیرساده / روستا : ساده																			
۱۴	اخلاقی و اجتماعی																			
جمع بارم : ۲۰ نمره		نام و نام خانوادگی مصحح : لیلا حبیبی																		
		امضاء:																		